

تمرکززدایی (از منظر اقتصاد شهری)

Decentralization (From Urban Economics' Viewpoint)

تمرکززدایی، فرایند واگذاری وظایف و اختیارات عمومی از دولت به بخش غیردولتی و دولت‌های محلی همراه با انتقال ساختارها، سیستم‌ها، منابع و ترتیبات مربوطه است (World Bank, 2018: 1).

در حوزه اقتصاد شهری تمرکززدایی به مفهوم بازتوزیع (جابجایی) جمعیت از مراکز اداری، مالی و تجاری شهری به مناطقی در خارج از شهر است (Hoyt, 1940: 270).

تمرکززدایی جمعیت با دو نظریه مکان‌یابی شهری یعنی «مدل تک مرکزی (Monocentric Model)» و «فرضیه تایبوت (Tiebout)» توضیح داده می‌شود (Irwin and Bockstael, 2006: 87).

در مدل تک مرکزی، تمرکز با افزایش هزینه رفت‌وآمد و تمرکززدایی با کاهش هزینه رفت‌وآمد یا افزایش درآمد همراه است (Duranton and Puga, 2015: 473).

در مدل تایبوت، تصمیمات مکان‌یابی خانوارها بستگی به سیاست‌های مالی محلی دارد (Tiebout, 1956) و انگیزه‌های مالی جابجایی در فاصله کم قوی‌تر از مهاجرت در فاصله زیاد هستند. تفاوت‌های محلی در مالیات‌ها و خدمات عمومی، مشوق جابجایی بین شهری است (Edwards, 2007: 305). به بیان دیگر، راهبرد ارائه خدمات و برنامه‌های مالیاتی در داخل شهرها یکسان و بین شهرها متفاوت است و باعث تحریک تمایلات برای جابجایی بین شهرها می‌شود.

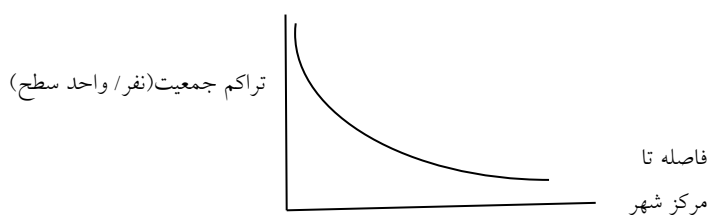
هدف از جابه‌جایی بین شهرها خرید سبدی از کالاها و خدمات عمومی است که مطلوبیت خانوار را با توجه به محدودیت بودجه حداکثر کند. بر اساس این مدل، آسیب‌های شهری از جمله افزایش جرم و جنایت، کیفیت پایین مدارس، ازدحام و ترافیک بیشتر و تنش‌های نژادی

خانوارهای پردرآمد شهری را وادار به سکونت در حومه شهرها می‌کند که در آن کالاها و خدمات عمومی با کیفیت بالاتر و برای جمعیت‌های با همگنی بیشتر ارائه می‌شوند (Irwin and Bockstael, 2006: 87).

مطابق با هر دو مدل تک‌مرکزی و فرضیه تایبوت، درجه تمرکززدایی در شهرهای گوناگون از تفاوت در میزان درآمد، تفاوت در هزینه‌های رفت‌وآمد یا تفاوت در سطح خدمات شهری و امکانات رفاهی نشئت می‌گیرد.

عوامل مهم دیگری که باعث حرکت جمعیت به حومه شهرها بر اساس انگیزه‌های بازاری می‌شود فرسودگی ساختمان‌های مرکز شهر و تمایل به زندگی در خانه‌های بزرگ و مدرن است که در حومه شهرها یافت می‌شود.

بر اساس مدل تک‌مرکزی، ساده‌ترین الگوی تمرکز شهری گرادیان (شیب) تراکم جمعیت است که تغییرات تراکم (در واحد سطح) را در قبال افزایش فاصله هر نقطه از مرکز شهر اندازه می‌گیرد. تغییر در الگوهای تراکم در طول زمان با تغییرات شیب یا میزان انحنای شیب تراکم بیان می‌شود. مطابق شکل (۱)، تابع تراکم جمعیت رابطه بین جمعیت در واحد سطح و فاصله تا مرکز شهر را نشان می‌دهد.



شکل (۱): تابع تراکم جمعیت (Racorean, 2004: 3)

تابع تراکم جمعیت نسبت به فاصله تا مرکز شهر نزولی است. نزولی بودن شیب متناظر با «تمرکززدایی» فزاینده شهری است.

تمرکززدایی فرایندی پویاست. امروزه مناطق کلان شهری عموماً چندین جریان کلی تمرکززدایی را تجربه کرده‌اند؛ در

زمین‌های ارزان در مناطق دورافتاده شهر می‌شود و به جابه‌جایی شدید کارگران بین شهرها می‌انجامد.

کتاب‌شناسی

داداش‌پور، هاشم و علی‌دادی، مهدی (۱۳۹۷). «تحلیل ریخت‌شناسانه ساختار فضایی توزیع جمعیت در منطقه کلان‌شهری تهران»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۰، شماره ۱: ۱۰۹-۱۲۵.
ربانی، رسول و مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۶). «تمرکززدایی و مدیریت خدمات زیربنایی شهری»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۲: ۲۲۶-۲۴۱.

- Duranton G., Puga D. (2015). 'Urban Land Use. In: Duranton G., Vernon Henderson J, Strange W. (Eds.)', *Handbook of Regional and Urban Economics*, vol. 5A, Amsterdam, North-Holland, pp. 467-560.
- Edwards, M. E. (2007). *Regional and Urban Economics and Economic Development: Theory and Methods*, NY: First Edition, Taylor & Francis Group, LLC.
- Giuliano, G. and Small, K. A. (1991). 'Sub-centers in the Los Angeles region', *Regional Science and Urban Economics*, 21(2), 163 - 82.
- Hoyt, H. (1940). 'Urban decentralization', *The Journal of Land & Public Utility Economics*, 16(3), 270-276.
- Irwin, E. G. and Bockstael, N. E. (2006). 'The Spatial Pattern of Land Use in the United States. In: Arnott, Richard J., McMillen, D. P. (Eds)', *A Companion to Urban Economics*. MA: First Edition, Blackwell Publishing Ltd.
- Racorean, O. (2004). *On the Function of Two Variables of Urban Population Density* (No. 0412003), University Library of Munich, Germany.
- Tiebout, C. M. (1956). 'A pure theory of local expenditures', *The Journal of Political Economy*, 64 (5): 416-424.
- World Bank. (2018). *Evaluation of the World Bank Group engagement on strengthening subnational governments*, Washington, D.C., World Bank Group.

لطفعلی عاقلی

پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

اولین موج، جریان تمرکززدایی جمعیت در دوره بلافصل پس از جنگ جهانی به دنبال محیط‌های سالم و کیفیت زندگی بالاتر بود، موج دوم در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی بود که بسیاری از بخش‌های اقتصادی سعی داشتند مراکز تفریحی و تجاری را در حومه شهرها ایجاد کنند و موج سوم، از هزاره جدید آغاز شده که انگیزه‌هایی مانند زمین ارزان، دسترسی به شبکه‌های ارتباطی و سبک‌تر بودن ترافیک را با خود دارد (داداش‌پور و علی‌دادی، ۱۳۹۷: ۱۱۱).

پیشرفت‌های فنی در بخش‌های زیربنایی شهری کارایی تأمین خدمات عمومی و کارایی بازار را بهبود بخشیده و موجب افزایش تمرکززدایی شهری می‌شوند. این پیشرفت‌ها مشارکت نهادها و فعالان محلی و سازمان‌های غیردولتی را در عرضه خدمات زیربنایی آسان‌تر می‌سازند (ربانی و مسعودنیا، ۱۳۸۶: ۲۲۷).

مؤلفه بنیادی تمرکززدایی شهری الگوی فضایی فعالیت اقتصادی است که برحسب اشتغال سنجیده می‌شود (Irwin and Bockstael, 2006: 89). مقایسه بین شیب‌های تراکم اشتغال در طول زمان فرضیه تمرکززدایی را تأیید می‌کند. در صورتی که مناطق شهری چندمرکزی باشند، می‌توان زیر مراکز شهری یا شهرهای حاشیه‌ای را مشاهده کرد که سبب تمرکززدایی و تراکم اشتغال در خارج از منطقه تجاری مرکزی می‌شوند. گفتنی است زیرمرکز (Sub-center) ناحیه‌ای با تراکم اشتغال حداقل ۱۰ کارگر در هر جریب (معادل ۴۰۴۶.۸۶ مترمربع) و اشتغال کل حداقل ۱۰۰۰۰ نفری است (Giuliano, and Small, 1991).

روند مداوم تمرکززدایی شهری حاصل بهبود شیوه‌های حمل‌ونقل است که سبب دسترسی کارگران و بنگاه‌ها به